



صورتک در نمایش

اهداف: در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که:

- ۱- خاستگاه هنر صورتک را بیان کند.
- ۲- تاریخچه به کارگیری صورتک در نمایش را بنویسد.
- ۳- کاربرد صورتک در نمایش‌های آیینی و سنتی را شرح دهد.
- ۴- مواد و ابزار طراحی و ساخت صورتک را نام ببرد.
- ۵- سبک‌های مختلف نمایشی که متکی بر صورتک است را توضیح دهد.
- ۶- کارگردان‌های مطرحی که در اجرای نمایش‌هایشان، استفاده ویژه‌ای از صورتک می‌برند را معرفی کند.
- ۷- کاربرد صورتک در سینما و تلویزیون را به صورت مختصر توضیح دهد.
- ۸- تفاوت کاربرد صورتک در نمایش، سینما و تلویزیون را بیان کند.





۱-۲- تاریخچه صورتک در نمایش

۱-۱-۲- کشورهای اروپایی: ریشه و اصل تئاتر یونان باستان را می‌توان در مراسمی که در ستایش «دیونیزوس»^۱ خدای شادی، تحرک و باروری برگزار می‌شد یافت. این مراسم، به همراه موسیقی، آواز، رقص، لباس‌های رنگی، صورتک‌های گوناگون با نقش بز، شیطان و غیره اجرا می‌شد. جشن در ماه مارس برگزار می‌شد و شش روز به طول می‌انجامید. در این مدت تمام مردم آتن به شادی و پایکوبی می‌پرداختند. مقام روحانی که نقش دیونیزوس را به عهده داشت بر چهره، صورتک می‌نهاد. از شش قرن قبل از میلاد، صورتک در تئاتر یونان باستان جایگاه والایی داشته است. «تسپیس»^۲ را پایه‌گذار نمایش تراژدی و مبتکر صورتک و چهره‌پردازی می‌شناسند. در ابتدا او صورتک‌های ساده‌ای را با سفیدآب می‌آراست که بعدها در این کار ظرافت بیشتری به کار برد و از رنگ گیاهی برای نقاشی بر صورتک استفاده کرد، سپس صورتک‌های کثانی را ساخت که بر روی آن با رسوبات انگور خط‌هایی رسم می‌کرد. بعد از تسپیس «فرینوخوس»^۳ صورتک‌های مختلفی برای زنان و مردان ساخت. در این دوره، بازیگران همه مرد بودند و نمایش در فضای بزرگ اجرا می‌شد که فاصله تماشاگران از بازیگران بسیار دور بود. در نقش‌های زنانه، صورتک‌های کثانی سفید و در نقش‌های مردانه صورتک تیره‌تری به کار می‌رفت.

«اشیل»^۴ درام‌نویس، مبتکر صورتک‌های الوان است. او اولین هنرمندی است که صورتک را رنگ‌آمیزی کرد. بازیگران در این دوره، می‌بایست سخنگویی و آوازخوانی را به گونه‌ای مطلوب فرا می‌گرفتند. در حرکات چهره و بدن از تبحر فراوانی برخوردار می‌بودند. کلمات، میمیک و حرکات گوناگون بازیگران که هر یک در سه یا چهار نقش بازی می‌کردند را با ترکیب صورتک منطبق می‌ساختند. رنگ موهای صورتک اهمیت خاصی داشت. درجات پیری با موهای سفید، خاکستری و یا جوگندمی نشان داده می‌شد. صورتک مردان پیر ریش داشت و صورتک پسران جوان بدون ریش بود. افراد بدبخت و دردمند با موهای تیره، افراد سعادتمند و شادمان با موهای بور، شخصیت‌های مکار با موی سرخ‌رنگ، افراد بخیل و حسود با موهای کوتاه و شخصیت‌های قوی و سالم با موهای پر و مجعد شناخته می‌شدند. پادشاهان دارای موی بلند بودند که مانند یال به پائین آویخته بود و نیمتاجی از موی سر بر روی پیشانی‌شان. مردان تندرست، صورتک‌های قهوه‌ای داشتند.

صورتک‌های سفید یا رنگ پریده دلیل ضعف و بیماری بود. صورتک سرخ تیره را پیام‌آوران به چهره داشتند، تا برافروخته و هیجان زده به نظر آیند. شکل پیشانی با دقت ترسیم می‌شد: پیشانی پهن و کشیده به معنی تیرگی فکر و اندیشه و پیشانی صاف، شادی و سرور و سادگی را می‌رساند. پیشانی پیرمردان، پرچین و چروک، و پیشانی بلند دلالت بر شخصیتی جدی و محکم داشت. ترکیب بینی در صورتک شخصیت‌های مختلف، متفاوت بود. شخصیت اصیل تراژدی دارای بینی اصیل یونانی بود. بینی‌هایی که انحناى تندی داشت، نشانه شخصیت حيله‌گر و بینی‌ای که از دو طرف بیرون زده بود، شقاوت و گستاخی را نشان می‌داد.

شخصیت‌های نمایش کمدی باستان شامل خدایان، قهرمانان و مردان سیاست بود که به شکل طنز، هجو و عناصر رکیک با صورتک‌های مضحک و مسخره اجرا می‌شد. بازیگران مرد، و تماشاگران نیز مرد بودند. صورتک‌های ترکیبی از بینی پهن، دهان بزرگ و سبیل اغراق شده بود. در این نوع کمدی، همسرایان^۵ با صورتک‌های رنگارنگی با نقش حیوانات، پرندگان و حشرات به صورت گروهی وارد صحنه شده و صحنه‌ای جادویی همراه با رقص و آواز به تصویر می‌کشیدند. در نمایش‌های کمدی نو که بر پایه زندگی مردم عادی یونان بود، بیش از ۹ گونه صورتک برای پیرمردان (بنا به سن و سال، تحرک و زنده‌دلی)، ۱۱ نوع صورتک برای جوانان شامل جوان ظریف، جوان سیه‌چرده و با وقار، ۱۷ نوع صورتک زنانه از هر قشر: پیرزن ترشرو، عصبانی، زن شوهردار خوش‌برخورد با موهای مجعد،

۱- Dionysos

۲- Thspis

۳- Phrynichus

۴- Eschyle

۵- Chorus



زن حيله گر مكار، زن بَردهٔ ظريف با موهاى کوتاه با خطوط و حالات صورت واقع گرايانه و گاهى اغراق شده استفاده مى شد. در نمايش هاى ساتير^۱ (نوعى كمدى هجو در باب خدايان و اساطير) صورتك ها همراه با ريش بود و همسرايان با ريش هاى لوله اى و گوش هاى شبیه شاخ بودند. در روم باستان، صورتك هاى نمايش متأثر از صورتك هاى يونان باستان بود. معروفترين كمدى اين دوره، كمدى در شهر آتلانا^۲ است كه در جنوب ايتاليا اجرا مى شد. نمايش همراه با لودگى، طنز، هجو، آواز و رقص بود. حالات صورتك ها بسيار غلو شده مانند كاريكاتور بود (تصوير ۲-۱).



تصوير ۲-۱

در قرون وسطى، نمايش هاى مذهبى متداول بود. نمايش در كليسا اجرا مى شد. بازيگران مرد بودند و طلاب و كشيستان به نقش آفرينى مى پرداختند. داستان ها بر مبنای زندگى حضرت مسيح و قديسان بود. نمايش، نخست در كليسا و سپس در فضاي آزاد اجرا مى شد كه به شكل درام هاى مذهبى يا نيمه مذهبى در قالب بديهه سرايى، رقص، پاتوميم، آوازهاى مذهبى يا گفتگو بود. اين نمايش ها شباهت به تعزیه داشت. شيطان با صورتكى مخوف با خطوط غير طبيعى، گوش هاى دراز، ريش سه گوش و گاه صورتكى با دهان گشاد خنده آور، بينى پهن، چشمانى گرد و شرور ظاهر مى شد و علامتى مضحك روى شكم داشت. مالكين دوزخ با صورتكى همراه با لباس سراسرى به شكل تخيلى نيمه انسان و نيمه حيوان ظاهر مى شدند. در ظاهر فرشتگان از چهره پردازى استفاده مى شد و آرد به چهره آنها مى ماليدند. در كمدى هاى مضحك غير مذهبى در کشور فرانسه كه صورتك هاى با شكل حيوانات از جمله ميمون، خرس، الاغ و غيره با لباس هاى بسيار زنده رنگى و نيز صورتك هاى با حالت و خطوط مسخره به كار مى رفت.

در دورهٔ رنسانس^۳ نمايشى به نام كمدى دلآرته در اوایل قرن شانزدهم ميلادى در شهر پادوا^۴ در شمال ايتاليا به وسيله گروه هاى حرفه اى اجرا مى شد كه سرشار از لودگى^۵، بديهه سرايى و لهجه سازى بود. شخصيت ها به دو دسته تقسيم مى شدند: شخصيت هاى طبيعى و شخصيت هاى اغراق شده كه براى گفتگوهاى آزاد عاميانه، صورتك بر چهره مى زدند. شكل صورتك نيمه بود و تنها پيشانى و گونه هاى بازيگران را مى پوشانيد. صورتك ها در اوایل به رنگ طبيعى بود ولى به مرور به رنگ تيره در آمد و هريك، حالت و خطوط خاص خود را دارا بود، مانند صورتك با دهانى فراخ و چشمانى به شكل گربه كه نشانگر شخصيت «آرلكن»^۶ بود. او شخصيتى جذاب و زير و ز رنگ بود. شخصيت «پانتالونه»^۷، ارباب پير، با ابروان و چشم هاى فرو افتاده، همراه با بينى قوزدار و ريش سه گوش شناخته مى شد. شخصيت «دكتور»^۸ با صورتكى داراى پيشانى بلند با بينى بزرگ. شخصيت «پلى شى نل»^۹ خادم پير موزى با صورتكى با بينى عقابى بزرگ و با چشمانى گرد و خال هاى متعدد كوچك و بزرگ. صورتك شخصيت «زاني»^{۱۰}، موجودى بدطينت، داراى پيشانى برجسته با خطوط

۱_ Satyre ۲_ Atellana ۳_ Renaissance ۴_ Padova ۵_ Farce ۶_ Arlequin ۷_ Pantalone
۸_ Doctor ۹_ Polechinelle ۱۰_ Zani



غیر انسانی و چشمانی ریز بود. شخصیت «کاپیتان» با صورتکی با بینی بزرگ تهدیدآمیز شناخته می‌شد، و صورتکی با بینی پهن و چشمانی ریز، نشانگر شخصیت خادم بدجنس، «بری‌گلا»^۱ بود (تصویر ۲-۲).

از قرن هفدهم میلادی اجرای نمایش به تدریج از فضای بیرونی به فضای درونی کشیده شد و بازیگران برای نقش‌آفرینی و نشان دادن چهره با مواد ساده به چهره‌پردازی پرداختند. صورتک‌ها نیز به شکل‌های مختلف در جشن‌های بالماسکه^۲ به قصرها راه یافت و کارناوال‌ها^۳ رونق گرفت. تنها نمایشی که همچنان بر صحنه تئاترها مشاهده می‌شود و بازیگران با صورتک به اجرا می‌پردازند، همان کم‌دیا دلآرته است (تصویر ۲-۳).



تصویر ۲-۳



تصویر ۲-۲

۲-۱-۲- ژاپن نمایش «نو»^۴: ریشه و اصل تئاتر نو در نیمه دوم قرن چهاردهم میلادی است. محتوای نمایشنامه‌های آن بر اساس جنبه‌های عرفانی و ماورا الطبیعی افسانه‌هاست و سرشار از تخیل و سحر و جادوست. اجرای نمایش نو با رقص و آواز همراه است. بازیگران، دو مرد هستند که شخصیت‌های مختلف را با صورتک اجرا می‌کنند. صورتک‌ها از چوب ساخته می‌شود که سازنده طی مراسمی مذهبی آنها را می‌سازد. در این نوع نمایش هشتاد صورتک وجود دارد که شامل خدایان، شیاطین، جنگجویان، ارواح و غیره می‌باشد. صورتک زن کوئوموته^۵ با مهارتی خاص ساخته می‌شود. صورتکی از چوب رنگ شده با برجستگی ابهام‌انگیز با نگاهی تهی و خالی از هر گونه حالت و بیان. این صورتک بر چهره بازیگر ماهر، حیاتی فوق تصور می‌یابد. بطوری که با یک نورپردازی متفاوت خطوط آن تغییر می‌کند؛ از تبسم به گریه و از شادی به اندوه می‌رسد. این صورتک را چنان استادانه ساخته و عضوهای صورتک را چنان با رنگ اندوده‌اند که قسمت‌های وسط، روشنتر و جاندارتر دیده می‌شود و با هر حرکتی، چهره با حالت جدیدی تغییر می‌کند. با برجستگی‌های ساده‌ای که در گوشه‌های لب دارد با هر حرکت، شخصیت‌های متفاوتی را ارائه می‌دهد (تصاویر ۲-۴ و ۲-۵).



تصویر ۲-۵



تصویر ۲-۴



نمایش «کیوگن»^۱ برعکس نمایش نو (که سنگین و جدی و سرشار از اعتقادات مذهبی، جنبه‌های اشرافی و احساس حزن و اندوه است و تأکید فراوان بر آواز و رقص دارد)، سبک، شاد و همراه با گفت‌وگو است و بر جنبه‌های خنده‌آور و عامیانه تأکید دارد. صورتک‌ها محدود به صورتک زن، مرد و حیوان است. صورتک‌ها برعکس نمایش نو دارای لطافت، وقار و برجستگی نیستند، بلکه چهره‌هایی متورمانده همراه با پیشانی کوچک و حجم‌های اغراق‌آمیز و خنده‌آور (تصاویر ۲-۶ و ۲-۷).



تصویر ۲-۷



تصویر ۲-۶

۳-۱-۲- ایران: از جمله نمایش کهن و شادی‌آفرین ایرانی می‌توان به «کوسه برنشین» اشاره نمود که از دوره ساسانیان و یا حتی پیش از آن تا ورود اسلام به ایران، رواج داشته است. در این نمایش، کوسه پیام‌آور نوروز، بهار و زندگی دوباره بود. امروزه کوسه‌گردی با نامی متفاوت در بعضی از شهرها (به‌خصوص نواحی غرب ایران)، چهل روز مانده به عید نوروز اجرا می‌شود. کوسه، تنها یا با زن خود یا با چند کوسه دیگر از پوشش‌های ساده، صورتک‌هایی از جنس پشم و پوست بز و نمد، برای پوشاندن چهره خود استفاده می‌کنند. اجرای این مراسم همراه با رقص، آواز، طنز و هجو است. دهل، نقاره، دایره و طبل، این نمایش را در هنگام اجرا همراهی می‌کند. از ویژگی‌های بنیادین این نوع نمایش، محل اجرای آن است که غالباً در حیاط خانه‌ها انجام می‌شده است. در خاتمه گروه نمایش، با گرفتن هدایا و دعا کردن برای اهالی خانه (که این خود بخشی از نمایش است) خداحافظی نموده و به خانه دیگری می‌روند.

نمایش سنتی روحوضی یا تخته‌حوضی نیز نمایشی شاد است که در گذشته‌های دور در مراسم عروسی و جشن‌ها اجرا می‌شد. برای اجرای نمایش روی حوض حیاط منازل تخته‌ای می‌گذاشتند، بر روی تخته‌ها فرش پهن می‌کردند و بازیگران بر روی آن به ایفای نقش می‌پرداختند. نمایش بر مبنای مسائل زندگی مردم به شکل بدیهه‌سرایی با زبان عامیانه و لهجه‌های محلی اجرا می‌شد. در نمایش تخته‌حوضی که امروزه نیز در بعضی جاها اجرا می‌شود بازیگران همه مرد هستند. بازیگر اصلی نمایش، سیاه است که برگرفته از شخصیت‌های نوروزخوانی و میرنوروزی است. او چهره خود را با دوده چوب پنبه سیاه می‌کشد. در دوران قاجار، تمام بازیگران غیر از سیاه صورتک به چهره می‌زدند. صورتک‌ها با کاغذ، سریش و پارچه ساخته و سپس رنگ‌آمیزی می‌شد. شخصیت زن، صورتکی به رنگ روشن و گونه‌ها و لب قرمز به صورت می‌زد و شخصیت‌های منفی از صورتک‌های خالدار استفاده می‌کردند. نمایش سنتی دیگری که از گذشته در ایران اجرا می‌شده تعزیه است. تعزیه نمایشی مذهبی است که از رویدادهای فاجعه تاریخی کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش به دست سپاهیان یزید، خلیفه اموی الهام گرفته شده است. شبیه‌خوانان همگی مرد هستند که ایفای نقش زنان را نیز به عهده دارند. چهره اولیا با پارچه سبز پوشیده می‌شود و زن‌پوش‌ها رو بنده سیاه بر چهره دارند. در بعضی اجراهای تعزیه، از صورتک نیز استفاده می‌شود. برای مثال جهت نشان دادن دیو و چهره شیرهای حضرت علی (ع). صورتک‌ها از خمیر کاغذ و سریش ساخته و با پشم و شاخ حیوانات تزیین و نقاشی می‌شد. در تعزیه «بلقیس و سلیمان» صورتک‌هایی از حیوانات مانند میمون و غیره استفاده می‌شود و در تعزیه

^۱ - Kyogan



تصویر ۲-۸



تصویر ۲-۹



تصویر ۲-۱۰

«امام رضا (ع)»، صورتک پیرزن، آهو و شیر و نیز در تعزیه «شهادت امام حسین (ع)» صورتک شیر به کار می‌رود. در تعزیه‌های شاد (که گونه‌ای متأخرتر از نمایش تعزیه است) صورتک‌های دیو، جنیان و غیره مشاهده می‌شود (تصویر ۲-۸).

۲-۲- صورتک در نمایش‌های امروز جهان

در قرن بیستم و بعد از جنگ اول و دوم جهانی، تحولی در هنر نمایش بوجود آمد. قواعد و قراردادهای تئاتر گذشته شکسته شده و شیوه جدیدی از نمایشنامه، کارگردانی، بازیگری و عوامل فنی بوجود آمد. در این دوره، صورتک مورد توجه کارگردانان مطرح قرار گرفت. از جمله «برتولت برشت»^۱ آلمانی، در اجرای نمایش «دایره گچی قفقازی» برای بازیگران از صورتک استفاده نمود. پنجاه بازیگر، به وسیله صورتک، صد و پنجاه شخصیت نمایشی را بر روی صحنه اجرا کردند. در این نمایش، علاوه بر اینکه استفاده از صورتک، بخشی از شیوه اجرا بود، ریتم تسریع شده اجرای نمایش نیز منوط به آن بود (تصویر ۲-۹).

در کشور ایتالیا، تئاتر «پیکولو»^۲ توسط جمعی از هنرمندان بوجود آمد که معروفترین آنها کارگردانی به نام «استه لر»^۳ بود (تصویر ۲-۱۰). او اغلب نمایش‌های برگرفته از کمדיا دل آرته را بر صحنه آورد و برای این کار از صورتک‌های چرمی استفاده کرد. با اجرای نمایشنامه‌ای از «کارلو گلدونی»^۴ برگرفته از کمیدیا دل آرته به نام «آرلو کینو، خدمتکار دو ارباب» با حضور بازیگر معروف «مارچلو مورتی»^۵ در نقش آرلو کینو، به اغلب کشورهای اروپایی سفر کرد و این نمایش را به اجرا درآورد (تصویر ۲-۱۱).

«ژان لویی بارو»^۶ی فرانسوی، در اجرای نمایش «ارستیا»^۷ از صورتک‌های نیمه چرمی استفاده کرد (تصویر ۲-۱۲).

تا این دوره، ساخت عروسک‌ها توسط «آملوتو سارتوری»^۸ در ایتالیا طراحی و ساخته می‌شد؛ پس از او پسرش «رونالدو»^۹ هنر او را دنبال کرد. مدرسه‌ای که او برای آموزش هنرجویان طراحی و ساخت صورتک تأسیس کرده بود، همچنان در روستایی نزدیک شهر پادوا فعال است. آملوتو سارتوری مدرسه را از این جهت در روستا بنا نهاد که عقیده داشت در آنجا چهره‌های جالب مشاهده می‌شود. او برای طراحی صورتک از چهره روستاییان بهره می‌گرفت. در کشور فرانسه «آریان

۱- Bertolt brecht

۲- PicoLO- teatro

۳- Sterhler

۴- Carlo Goldoni

۵- Marcello Moretti

۶- Jean Louis barrault

۷- Orestie

۸- Ameloto sartori

۹- Ronaldo



تصویر ۱۱-۲



تصویر ۱۲-۲



تصویر ۱۳-۲

منوشکین»^۱ با گروهی از هنرمندان، «تئاتر خورشید» را در سال ۱۹۶۴ بنیاد نهاد. او نمایش‌هایی را با این گروه در کشورهای مختلف اجرا کرد. در نمایش «عصر طلایی» در سال ۱۹۷۵ تمام بازیگران با صورتک‌های نیمه به اجرای نقش پرداختند. شخصیت اصلی نمایش، کارگری بود به نام عبدالله که نمایش براساس زندگی او نوشته شده بود (تصویر ۱۳-۲).

او نمایش‌های «ریچارد دوم»^۲، «شب پادشاهان»، «هانری چهارم»^۳ را با عناصر نمایش ژاپنی، هندی، عربی و ایرانی اجرا کرد. لباس‌ها و صورتک‌های چوبی ژاپنی در نمایش ریچارد دوم، و طراحی لباس، وسایل و چهره‌پردازی در نمایش شب پادشاهان، تماشاگر را به یاد مینیاتورهای ایرانی و چینی می‌انداخت. آریان منوشکین در پاسخ به این پرسش که چرا «صورتک» نقش بنیادی در کارهایتان دارد، می‌گوید: «دلیلش وجود خود تئاتر است، زیرا در صورتک، نقش دگرگونی وجود دارد. زیرا آن «شیئی» است همچون چهره انسان و اگر بازیگر خودش را تحت اختیار آن بگذارد، او را با خود می‌برد. زیرا صورتک قدرت آن را دارد که به دور و دورترها عزیمت کند؛ به سوی کشف و ظهور معانی خودش. صورتک واقعی‌تر از طبیعت است، زیرا علامتی خواهد شد برای اندام بازیگر...»

آئین‌ها، سنت و تکنیک‌های نمایش آسیایی همواره برای هنرمندان جهان بویژه اروپاییان، منابع اعجاب‌انگیزی بوده است. از جمله هنرمندان «یوجینو باربا»^۴ از کشور ایتالیا. او طی سفری به کشور هند مجذوب نمایش «کاتاکالی»^۵ هند شد. باربا از کاتاکالی نه برای ردیف کردن تصاویر مجرد بر صحنه، بلکه برای پرورش و آماده سازی بازیگرانی مجهز و توانا در اعمال جسمانی و روانی، مسلط بر نفس، تخیل، نیروی پذیرش و هماهنگی در تئاتر بهره برد. در سال ۱۹۶۴ تئاتر «اودین»^۶ را تأسیس کرد. در سال ۱۹۸۲ با اجراهای پژوهشی - نمایشی تحت عنوان «آناباسیس»^۷ به بسیاری از کشورهای جهان سفر کرد و در آنجا به اجرای نمایش خیابانی پرداخت. گروه بازیگران وی همراه پرچم، صورتک، شیپور و طبل، ناگهان در میدانی ظاهر شده، فی‌البداهه با همراهی تماشاگران نمایش را اجرا می‌کردند. فضایی پرشور را می‌آفریدند. در آن میان دو پیکر غول‌آسا با صورتک مرگ (بازیگرانی سوار بر پاهای چوبی بسیار بلند) نمایش را باحرارت و هیجانی بی‌نظیر پیش می‌بردند. در پایان، همه بازیگران روی پارچه‌ای پهن و سیاه جمع شده، رفته رفته هیاهوی آنها فروکش می‌کرد.

۱- Ariane mnookhine

۲- Richard2

۳- Hanrie4

۴- Eugenio barba

۵- Kathakli

۶- Odine

۷- Annabssis



امروزه در کشور سوئیس «ورنر استروب»^۱ طراح و سازنده صورتک‌های نمایش، به پیروی از صورتک‌های سارتوری با ابتکار و طراحی نوین، ظریف‌کاری بر صورت، استفاده از گل‌های خشک شده یا مصنوعی، پارچه‌های رنگی، کار بر پوست و غیره شهرت جهانی کسب کرده است. او می‌گوید: «زمانی که به صورتک می‌اندیشم، به شکل ظاهری، فرم و حالت آن توجه می‌کنم. در صورتک‌های اولیه من، فرم بر همهٔ ارکان برتری داشت، اما امروزه لوازم ساخت به اندازهٔ فرم اهمیت دارد. هرگز به صورتک‌های «شخصیت» که با فرم بینی و چانه تعریف می‌شود، نپرداختم؛ چون در منظر من، شخصیت یک نقش بستگی به خلق و خوی خاص او، پیکرهٔ اجتماعی، محیط، رفتار، سلوک، خواست‌ها و نحوهٔ ظهورش در اجتماع دارد. امیال، آرزوها و آزمون‌های زندگی یک نقش می‌تواند بر صورتک چهره (به وسیلهٔ لوازم ساده و کامل و ساختی لطیف و با دقت) نقش بندد. وقت شروع کار شب‌های متوالی بیدار می‌مانم و به بازیگری که صورتک بر چهره‌اش می‌نشیند می‌اندیشم؛ در عین حال ذهن خود را متوجه ابزاری می‌کنم که بازیگر باید آنها را حمل کند. تمرکز بر این موضوعات باعث می‌شود در زمان ساخت صورتک احساس تنهایی نکنم. این حالتی شگفت‌انگیز است. من برای ساخت صورتک نظر بازیگر را جویا نمی‌شوم، با این حال صورتک با او ساخته می‌شود. از طریق چهرهٔ او صورتک روی قالب طراحی می‌شود و شکل حقیقی‌اش را با تغییراتی کوتاه به دست می‌آورد. طی ایام تمرین شخصیت صورتک توسط بازیگر و کارگردان مورد ارزیابی نهایی قرار می‌گیرد».

استروب در سال ۱۹۸۰ طراحی و ساخت صورتک‌های نمایش «ادیپ»^۲ را انجام داد. اثر مربوطه توسط «بنوبسن»^۳ کارگردانی شد و در جشنوارهٔ «سپولتو»^۴ ایتالیا به روی صحنه رفت (تصاویر ۲-۱۴ الی ۲-۱۷).



تصویر ۲-۱۷



تصویر ۲-۱۶



تصویر ۲-۱۵



تصویر ۲-۱۴

در سال ۱۹۸۲ استروب در همکاری دیگری با بنوبسن، طراحی و ساخت صورتک‌های نمایش «برندهٔ سبز» را به پایان رساند (تصویر ۲-۱۸).

استروب در همکاری سوم خود با بنوبسن، ساخت صورتک‌های نمایش «هاملت»^۵ را به عهده گرفت.

امروزه صورتک‌ها همچنان جایگاه خود را در تئاتر حفظ کرده‌اند. آنها بر قراردادهای مرسوم تئاتر از جمله میمیک تأثیر گذاشته و از ضرورت حضور آن کاسته‌اند. در ایران، کارگردانان گاه از صورتک برای ارائهٔ سمبول‌های عینی و ذهنی و گهگاه برای نشان دادن کارناوال در نمایش بهره می‌گیرند. صورتک‌های ظریف کوچک با نقش حیوانات و پرندگان، مسیر تئاتر کودک، نمایش‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی را پیش می‌گیرد.



۲-۳- صورتک در سینما و تلویزیون

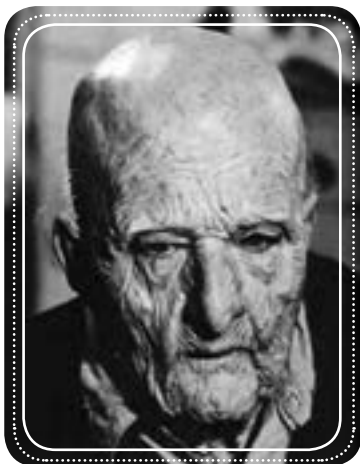
از بخش‌های مهم چهره‌پردازی در سینما و تلویزیون، حجم‌سازی و ساخت صورتک (و آدمک جهت جلوه‌های ویژه بر آن) است. معنای حجم در چهره‌پردازی برای دوربین، بعدسازی، برجسته‌نشان دادن عضو یا ناحیه‌ای از چهره است. این مهم با انواع مواد پلاستیکی صورت می‌گیرد. حجم‌های نمایشگر پیری، جوانی، شبیه‌سازی، غیر متعارف‌سازی، چهره‌های تخیلی، فضایی، حجم‌های نمایانگر شکل حیوانات یا پرندگان از انواع صورتک‌ها محسوب می‌شوند. حجم‌ها بر مبنای چهره‌بازیگر طی مراحل ساخت می‌شود. سپس به صورت پوسته‌ای سبک از جنس پلاستیک ظریف درآمده و بر صورت بازیگر نصب می‌گردد. این پوسته همان صورتک است. معمولاً برای طبیعی‌تر جلوه دادن صورتک، آن را به شکل چند تکه‌ای کار می‌کنند (تصویر ۱۹-۲).



تصویر ۱۸-۲



تصویر ۱۹-۲



تصویر ۲۰-۲



تصویر ۲۱-۲

معمولاً برای ساختن صورتک شخصیت‌های مختلف، ابتدا از چهره‌بازیگر قالب منفی گرفته می‌شود. سپس از قالب منفی، قالبی مثبت تهیه می‌گردد. با خمیر مجسمه‌سازی، روی شخصیت مورد نظر (قالب مثبت)، کار صورت می‌گیرد. اندکی بعد، از نتیجه به دست آمده قالبی منفی گرفته می‌شود. از قالب منفی مربوطه با استفاده از «لاتکس کفی» قالب مثبت به صورت پوسته نازک انعطاف‌پذیر مهیا می‌گردد. پس از آماده شدن کار، پوسته‌ها با دقت بر صورت بازیگر نصب می‌گردد. درزها با دقت گرفته شده و سپس با ظرافت روی آن، چهره‌پردازی انجام می‌گیرد. در انتها شاهد خلق شخصیت جدیدی هستیم. در (تصاویر ۱۹-۲ و ۲۰-۲ و ۲۱-۲) بخشی از چهره‌پردازی فیلم بزرگ مرد کوچک^۱ (که توسط «دیک اسمیت» بر روی صورت «داستین هافمن» جهت خلق چهره پیرمرد ۱۲۰ ساله صورت گرفته) دیده می‌شود.

یکی از مباحث مهم در این نوع چهره‌پردازی، ساخت عروسک و آدمک برای فیلم و سریال تلویزیونی، شخصیت‌های تخیلی و فضایی داستان و فیلمنامه است.

ساخت عروسک و آدمک به دو منظور صورت می‌گیرد:

(الف) ساخت عروسک‌های تخیلی همراه با حرکت.

(ب) ساخت سر و چهره و بدن بازیگر جهت جلوه‌های ویژه بر آن، مانند منفجر شدن سر، بدن و غیره.

۱- Little big man



بخش مجسمه‌سازی، ساخت و حرکت آن، از گروه‌های چهار تاییست نفی متخصصان زمینه‌های مختلف تشکیل می‌شود. تکنولوژی رایانه، نقش به سزایی در این مورد دارد. فیلم «لایرنت» به کارگردانی «جرج لوكاس» محصول سال ۱۹۸۷ (تصویر ۲-۲۲)، فیلم «گرگ» به کارگردانی «نیک نیکولس» با طراحی چهره‌پردازی «ریک بیکر» (تصویر ۲-۲۳) و اجرای جلوه‌های ویژه روی آدمک فیلم «ترمیناتور» به کارگردانی «جیمز کامرون» با طراحی چهره‌پردازی «استن وینستون» (تصویر ۲-۲۴)، فیلم نوجوانان گرگ^۱ (تصویر ۲-۲۵)، فیلم «ماسک» به کارگردانی «چوک لوسن» (تصویر ۲-۲۶)، فیلم «روز مرگ» با طراحی چهره‌پردازی «ساوینی» (تصویر ۲-۲۷) اشاره کرد.



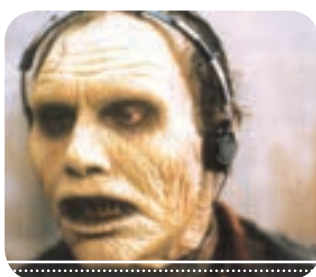
تصویر ۲-۲۴



تصویر ۲-۲۳



تصویر ۲-۲۲



تصویر ۲-۲۷



تصویر ۲-۲۶



تصویر ۲-۲۵

آزمون‌های فصل دوم

- ۱- توضیح دهید ریشه و اصل تئاتر یونان باستان را در چه مراسمی می‌توان یافت؟
- ۲- «تسپیس» را پایه گذار چه نوع نمایش و مبتکر بهره‌گیری از چه عاملی در نمایش می‌دانند؟
- ۳- در قرون وسطی نمایش‌ها دارای چه مفاهیمی بوده‌اند و در چه مکان و توسط چه کسانی اجرا می‌شده‌اند؟
- ۴- نمایش «کمدیا دلآرت» در چه سالی و در کجا شکل گرفت؟
- ۵- ویژگی صورتک «آرلکن» در نمایش کمدیا دلآرت در چیست؟
- ۶- نمایش سنتی «تخته‌حوضی» از نظر چهره‌پردازی دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۷- در چه قرن‌ی نمایش «نو» به وجود آمد و این نمایش دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۸- ویژگی نمایش «کیوگن» چیست؟
- ۹- انواع صورتک را نام ببرید.
- ۱۰- منظور از حجم در چهره‌پردازی برای دوربین چیست؟